



مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۲۶ - چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۷۸

سرمقاله

بسیج هر چه گسترده تر آرای مردم
 علیه دشمنان آزادی!

یادداشت

بمناسبت سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷
 ۲۲ بهمن و تداوم آن

گرامی باد ۱۹ بهمن سالگرد
 پیدایش جنبش فدائیان خلق

علیرغم حذف گسترده کاندیداهای غیرحکومتی و اصلاح طلب
 مردم مصمم اند مجلس را از چنگ مرتجعین بیرون بکشند

کاخ ریاست جمهوری در تهران با
 خمپاره مورد حمله قرار گرفت

((قم)) چه می خواهد؟

دستان رفسنجانی به خون آلوده است

دستورالعمل ستاد محافظه کاران برای
 جنگ روانی در انتخابات مجلس

شورای نگهبان مانع انتخابات آزاد است

پیام عبدالله نوری از زندان اوین به مردم

به ما بگویید برابر قانون کدام ملتی
 می توان حق حیات و زندگی را از یک کودک گرفت؟

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خواست نیروهای آزادی خواه از وزارت کشور:

اسامی داوطلبین رد صلاحیت شده را بعنوان کاندیدای مجلس شوراهای اعلام کنید

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

بسیج هر چه گسترده‌تر آرای مردم علیه دشمنان آزادی!

سلب حق فعالیت آزادانه احزاب سیاسی در کشور و اعمال نظارت استصوابی بر انتخابات که توسط شورای نگهبان اعمال می‌شود و به حذف کاندیداهای غیرحکومتی و اصلاح‌طلبان رادیکال وابسته به حکومت از جریان انتخابات انجامید، انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی را با یک دوگانگی آشکار مواجه ساخته است.

از یک سو، جناح راست حکومت اسلامی با بکارگیری همه اهرم‌هایی که در دست دارد، بخش پیگیر اصلاح‌طلبان، اعم از درون یا بیرون حکومت را از دور رقابت خارج کرده است. شورای نگهبان به ستاد انتخاباتی محافظه‌کاران تبدیل شده و با یک نقشه جنگی حساب شده، به قلع و قمع کاندیداهای اصلاح‌طلب پرداخته است. نه تنها نیروهای اپوزیسیون، بلکه احزاب و سازمان‌های غیرحکومتی، اما ملتزم به فعالیت در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، این بار نیز مجال فرستادن نماینده به مجلس را نیافته‌اند. علاوه بر این، آن دسته از نیروهای حکومتی که در دو سال اخیر به عنوان اصلاح‌طلب و دوم‌خردادی شهرت یافته‌اند، از تیغ تصفیه شورای نگهبان مصون نمانده‌اند. این شورای نگهبان است که به جای مردم انتخاب کرده است. رادیو و تلویزیون دولتی در انحصار جناح راست و امید اصلی آن، رفسنجانی است. این انتخابات نیز هیچ شباهتی به انتخاباتی دمکراتیک ندارد. رقابت اصلی برای ورود به مجلس ششم، مانند همیشه رقابت بین نیروهایی است که ۲۰ سال است قدرت را قبضه کرده‌اند و بقیه مردم را ((غیر خودی)) می‌دانند و می‌نامند.

از سوی دیگر، نمی‌توان ادعا کرد که نتیجه انتخابات یا به عبارتی دیگر نتیجه رقابت جناح‌های حکومت در سرنوشت جنبش اصلاح‌طلبی در ایران بی‌تاثیر است. مجلس پنجم از دوم خرداد بدین سو، موانعی بسیار بر سر راه این جنبش ایجاد کرد که تصویب قوانین ضد مطبوعات و ضد ماهواره و ضد زن و ضد آزادی انتخابات، تنها بخشی از آن است. همین که شورای نگهبان توانسته است این گونه گستاخانه به قلع و قمع کاندیداها بپردازد، نتیجه رای مجلس پنجم به تداوم نظارت استصوابی است. اگر اکثریت مجلس ششم از دست جناح راست خارج شود، امکان جلوگیری از این گونه اقدامات ضد اصلاحات افزایش خواهد یافت.

در دو سال و نیمی که از آغاز دوره ریاست جمهوری خاتمی می‌گذرد، مجلس پنجم به عنوان یکی از موانع اصلی پیشبرد روند اصلاحات شناخته شده است. اگر از دست‌اندرکاران دولت خاتمی جوای کارنامه اصلاحی‌شان شویم، همواره بدین نکته اشاره خواهند داشت که مجلس بادولت همراه نیست. بیرون آوردن مجلس از چنگ اکثریت محافظه‌کار، این حسن را نیز دارد که فشار انتظارات مردم از اصلاح‌طلبان حکومتی را بالا می‌برد، چرا که آنان امکان مهمی برای توجیه کوتاهی‌های خود را از دست خواهند داد.

با در نظر داشتن مجموعه این شرایط سازمان ما در آستانه انتخابات مجلس ششم، مردم را به رای آگاهانه و هدفمند به رادیکال‌ترین برنامه اصلاحات فرا می‌خواند. کاندیداها هر چه به برنامه توسعه سیاسی نزدیک‌تر باشند، بیشتر شایستگی رای مردم را دارند. به ویژه در مرحله اول انتخابات، رای به هر کاندیدی به غیر از محافظه‌کاران، تاثیری یکسان در جلوگیری از راه یافتن امثال رفسنجانی به مجلس دارد. از این رو در نخستین مرحله، رای مردم می‌تواند خصلت برنامه‌های بیشتری به خود بگیرد، بدون اینکه به خطر پراکنده شدن آرای ضد راست بیانجامد. هر چه مشارکت مردم در انتخابات بیشتر باشد، درصد نصبی آرای محافظه‌کاران پایین‌تر و شانس اشغال کرسی‌های مجلس توسط نمایندگان آنان کمتر خواهد بود. در مقابل، هر چه نیروی ((گریز از مرکز)) در آرای مردم نمایان‌تر شود، هر چه فاصله آرای مردم با مرکز قدرت رژیم افزایش یابد، برنامه اصلاحات است که تقویت خواهد شد.

بسیج هر چه گسترده‌تر آرای مردم علیه دشمنان آزادی، در این مقطع به سود جنبش و روند توسعه سیاسی است. ما مردم را دعوت می‌کنیم که با حضور آگاهانه خود در انتخابات، از یک سو به سلطه محافظه‌کاران بر مجلس پایان دهند و از سوی دیگر، به‌گونه‌ای رای دهند که رادیکال‌ترین جریان اصلاح‌طلبی موجود را تقویت کنند.

یادداشت

بمناسبت سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

۲۲ بهمن و تداوم آن

سه نیروی اصلی سیاسی - اجتماعی در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ شرکت کردند: نیروهای ملی، نیروهای چپ و نیروهای مسلمان. بخش عمده از هر سه نیرو، از جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد حمایت و برای به ثمر رسیدن اهداف آن به درجات مختلف کوشش می‌کنند. می‌توان آن گونه که این روزها رسم شده است، دوم خرداد را نوعی توبه از ۲۲ بهمن جلوه داد و بر این ادعا پا فشرد که استقبال عمومی از اصلاحات، یعنی نفی انقلاب. آیا برآستی چنین است؟

انقلاب بهمن دو وجه دارد: وجه نفی آن، پایان دادن به سلطنت استبدادی ۲۵۰۰ ساله و وجه اثباتی آن، به قدرت رسیدن ارتجاع مذهبی است. هر تحلیل از انقلاب بهمن که تنها یکی از این دو وجه را ببیند، ناقص است. مردم ایران در یک رویداد تاریخی در ۲۱ سال پیش در چنین روزهایی، بر نظام مستبدانه شاهنشاهی نقطه پایان گذاشتند و سپس متأسفانه حکومت را به

دست نیرویی دادند که نه تحقق آزادی و توسعه سیاسی، که برقراری قدرت مطلقه خود را در سر داشت. آنچه در تاریخ از ۲۲ بهمن به یادگار خواهد ماند، نه وجه دوم، که وجه اول این انقلاب است. شرکت توده‌های میلیونی مردم ایران در حیات سیاسی ایران است، مشارکت و حضوری که در این ابعاد در تاریخ ایران سابقه نداشت. اینکه این توده‌های میلیونی در طول ده‌ها سال استبداد پهلوی امکان آموزش و رشد سیاسی را نیافتند و دنباله‌رو روحانیت مستبد شدند، جایگاه تاریخی ۲۲ بهمن در روند پر فراز و نشیب توسعه سیاسی در میهن ما را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد.

به یک نوع، دوم خرداد اعاده حیثیت از ۲۲ بهمن است. جنبش فعلی اصلاحات در ایران، تنها با تکیه بر سنن مشارکت و حضور فعال به جای مانده از ۲۲ بهمن بود که می‌توانست شکل بگیرد. در شرایطی که استبداد ولایت فقیه در طول نزدیک به دو دهه، امکان تاثیرگذاری و هدایت نیروهای سیاسی آزادیخواه بر حرکات توده‌ای را عمدتاً از میان برده بود، مردم ایران بار دیگر مانند ۲۲ بهمن، اما این بار به شکلی دیگر به صحنه آمدند تا سرنوشت خود را به دست گیرند. آری، جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد به لحاظ روش‌ها و فرهنگ با ۲۲ بهمن متفاوت است. جنبش دوم خرداد را عمدتاً نسلی بر دوش خود حمل می‌کند که ۲۲ بهمن را تنها از خواننده‌ها و شنیده‌ها می‌شناسد. اما بدون سیاسی شدن گسترده مردم در جریان انقلاب ۵۷، بدون چشیدن طعم قدرت مردمی که در ۲۲ بهمن هر چند کوتاه میسر شد، بدون ملموس شدن آزادی، برادری و برابری در آن انقلاب، جنبش اصلاح‌طلبانه بدین گونه که شاهد آنیم قابل تصور نمی‌بود.

روند توسعه سیاسی در ایران در دو دهه اخیر می‌توانست روند بسیار کم‌درتری را طی کند. اما در تاریخ، ((ایکاش)) و ((اگر چنین می‌بود چنان می‌شد)) جایی ندارد. تصادفاً همین فرض‌های اتفاق‌نیافتاده است که نشان می‌دهد مطلق کردن ضایعات انقلاب و ندیدن فرصت‌های آن، خطاست. گاه تاریخ، مستقل از اراده این یا آن نیروی سیاسی، مسیر انقلاب را در پیش پای مردمی می‌گذارد. اصلاح‌طلب واقعی از گام نهادن در این مسیر پا پس نمی‌کشد. رفرمیست‌ترین نیروها نیز از انقلاب ۵۷ استقبال کردند، نه از آن رو که فریب انقلابیون را خوردند یا مرعوب آنان شدند، بلکه بدین سبب که آنان نیز در آن شرایط تاریخی، راهی جز مسیری که توده‌های میلیونی مردم در پیش گرفته بودند، برای تحقق اصلاحات نمی‌دیدند.

بهترین گواه بر بطلان فرضیه تقابل آشتی‌ناپذیر انقلاب و رفرم، این است که راهی که دو دهه پیش آغاز شد، در تداوم خود به جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد رسید.

گرامی باد ۱۹ بهمن سالگرد پیدایش جنبش فدائیان خلق

۱۹ بهمن امسال، از آن سپیده دمی که با حمله به پاسگاه سیاهکل، سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران از پیوند دو گروه معتقد به مشی چریکی پدید آمد ۲۹ سال می‌گذرد. رژیم شاه واقف به احتمال هراسناک گسترش دامنه این جنبش، از همان ابتدا بیشترین نیروی خود را بسیج کرد تا به زعم خود آن را در نطفه خفه کند. اعدام سریع بازداشت شدگان آفریننده واقعه سیاهکل به دنبال شکنجه‌های طاقت‌فرسا در تاریخ ۲۶ اسفند همان سال، نشانگر این هراس و سراسیمگی است. اما اعلام آغاز حیات سازمان فی‌الفسه شرایطی را فراهم آورد که بسیاری از فعالان جنبش روشنفکری، دانشجویی و کارگری کشور که با از خودگذشتگی در ذهن خود اندیشه مبارزه مسلحانه با رژیم شاه را می‌پروراندند به سازمان بپیوندند. سازمان بعد از ضربه‌ی سال ۴۹، در سال ۵۰، ۵۴، ۵۵ نیز آماج حمله تدارک دیده شده و وسیع رژیم شاه قرار گرفت. هر بار بخش عمده یا تمام رهبری آن به شهادت رسیدند اما از آنجا که در میان اقلیت از مردم با تمایلات رادیکال استقلال‌طلبانه و استبدادستیزانه ریشه داشت، نابود نگردید و هر بار توانست خود را ترمیم و بازسازی کند تا با انقلاب بهمن ۵۷ حیاتی تازه بیابد. درباره علل پیدایش جنبش چریکی در سطح جهان و از جمله ایران در اواخر سال‌های ۵۰، سال‌های ۶۰ و اوائل دهه ۷۰ مطالبی نوشته شده است.

سلطه‌جویی روزافزون امپریالیسم آمریکا و وجود حکومت‌های دیکتاتوری دست‌نشانده آن در سراسر جهان در شرایط جنگ سرد میان کشورهای سرمایه‌داری و ((سوسیالیستی)) از طرفی و اوج‌گیری مبارزات استقلال‌طلبانه مردم کشورهای تحت سلطه با الهام از پیروزی‌های بدست آمده در کوبا و ویتنام که به تقویت روحیه رزمندگان استقلال‌طلب می‌انجامید و در شرایطی که سیاست نیروهای سنتی این جنبش‌ها ناکارآ به نظر می‌رسید، از طرف دیگر، روند رادیکالیزه شدن این جنبش‌ها و پولاریزه شدن این جوامع را شتاب داد.

در کشور ما نیز پس از کودتای آمریکائی ۲۸ خرداد ۱۳۳۲ و شکست جنبش ملی کردن نفت، حزب توده ایران و جبهه ملی به عنوان دو رکن اصلی جنبش استقلال‌طلبانه که در آن زمان بشدت زیر ضربه قرار گرفته بودند نتوانستند اعتماد نیروهای جدیدی را که به جنبش می‌پیوستند نسبت به درستی سیاست‌هایشان جلب کنند. با گذشت چند سال از کودتای ۳۲، هم در محافل چپ و هم در محافل نیروهای ملی اعم از مذهبی و غیرمذهبی که در کشور مبارزه می‌کردند، تمایل به اتخاذ سیاست‌های رادیکال تا حد آغاز مبارزه مسلحانه رشد کرد که حاصل آن ایجاد سازمان‌هایی چون سازمان چریک‌های فدائی خلق، سازمان مجاهدین خلق و سازمان‌های کوچکتری با مشی مسلحانه شد. واقعه خرداد ۴۲ و ورود بخشی از روحانیت به صحنه نیز به سهم خود در رادیکالیزه شدن مبارزه موثر بود. تاثیر این شرایط چنان بود که نسل پیشین را نیز به این جهت سوق داد. به این ترتیب در روند انقلاب بهمن ۵۷ و در نخستین سال‌های پس از آن، همه نیروهای یاد شده با رادیکالیسم خاص خود وارد میدان گردیده، به کسب استقلال و آزادی از یوغ بیگانه نائل شدند. در این روند بود که سازمان ما تولدی دوباره یافت و محدود چریک‌های باقی‌مانده از آن، با پیوند با نیروهای از زندان آزاد شده طرفدار این جنبش و دانشجویان، کارگران و روشنفکرانی که هوادار سازمان بودند، در مدت زمانی نسبتاً کوتاه به نیروئی چشمگیر که ده‌ها هزار عضو و صدها هزار هوادار

داشت تبدیل گردید.

اکنون سالها پس از گذشت این دو دوره تولدی دیگر در پیش روی ماست. در سالهای اخیر نیروهای مذهبی و ملی مذهبی اطلاع طلب در سطح وسیع وارد عرصه سیاست شدند و بر روندهای جاری در کشور تاثیر تعیین کننده دارند. نیروهای چپ لائیک و غیرمذهبی نیز بیشک روندها را تعقیب کرده و در اینجا و آنجا بر آن تاثیر می گذارند. اما این نیروها با این وجود از نیروئی ((در خود)) به نیروئی ((برای خود)) تبدیل نشده اند. سازمان ما در میان این بخش از جامعه که میلیون ها نفر را شامل می شود دارای پایگاه معینی است. گشایش بیشتر فضای سیاسی کشور امکان پیوند نیروهائی از سازمان را که در داخل و خارج از کشور می رزمند پدید می آورد. پیدایش چنین موقعیتی وظائف جدیدی به میزانی غیرقابل قیاس با گذشته بر دوش فعالان سازمان قرار می دهد. گذر زمان نشان خواهد داد که تا چه حد خواهیم توانست انتظارات آن بخش از جامعه را که همراه و یک دل با ماست برآورده کنیم.

علیرغم حذف گسترده کاندیداهای غیرحکومتی و اصلاح طلب مردم مصمم اند مجلس را از چنگ مرتجعین بیرون بکشند

کمتر از ده روز دیگر انتخابات مجلس ششم برگزار می شود. حذف کاندیداهای سرشناس بیرون حکومت و جناح رادیکال اصلاح طلبان حکومتی، باعث آن نشده است که مردم برای بیرون کشیدن کنترل مجلس از چنگ محافظه کاران دلسرد شوند. ایران لحظات پرتلاش و پرهیجانی را می گذراند. انتخابات بیست و نه بهمن می تواند نقطه عطفی در مبارزه حاد و سرنوشت سازی باشد که دو سال و نیم است بین محافظه کاران و مرتجعین از یکسو و اصلاح طلبان و دموکرات ها از سوی دیگر، لحظه به لحظه جریان داشته است.

آثار التهاب و هیجان فتح کرسی های مجلس که روز به روز اوج می گیرد در چهره شهرها، خیابان ها، مطبوعات، در تبلیغات گروه ها و سخنرانی کسانی که از تیغ تصفیه شورای نگهبان گذشته و به میدان ((رقابت)) راه یافته اند، بازتاب دارد. در خیابان های تهران و شهرهای مهم، پلاکاردها و تابلوهای پارچه ای بزرگ از فرا رسیدن روز ۲۹ بهمن و ((لحظه)) انتخاب مردم خبر می دهند و مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می کنند.

در این رقابت، جای بسیاری از احزاب، سازمان ها و گروه هایی که سالها برای دموکراسی و تامین حق رای مردم مبارزه کرده اند، خالی است. سرکوب سازمان های سیاسی مخالف حکومت، حتی آن ها که مبارزه مسالمت آمیز می کنند، مانع از آن شده است که نمایندگان آن ها نیز بتوانند در این رقابت وارد شوند، بسیاری از مردم جای نمایندگان واقعی خود را در این انتخابات خالی می داند. کسی نمی داند که آنان چه تعداد از این مردم را تشکیل می دهند، زیرا در این بیست سال هرگز اجازه نداده اند که غیرحکومتی ها نیز خود را به رای مردم بگذارند. این بار نیز چنین شده است و این تلخ ترین جنبه این انتخاباتی است که همه بر سرنوشت ساز بودن آن تاکید می کنند. رقابت کماکان منحصر به حکومت کنندگان است.

((آزادی))، ((رفاه)) و ((امنیت اجتماعی)) ترجیح بند شعارهای تبلیغاتی گروه های ۱۸ گانه دوم خرداد است.

((ایران برای همه ایرانیان!!))، ((عدالت))، ((معنویت)) و ((آزادی)) شعارهای اصلی هستند که گروه تازه تاسیس ((جبهه مشارکت ایران اسلامی)) با طرح آن ها، مردم را به حمایت از کاندیداهای خود دعوت می کند. مجمع روحانیون مبارز و حزب کارگزاران سازندگی هر دو بر شعارهای ((رفاه))، ((امنیت)) و ((آزادی)) تاکید کرده اند. در پلاکاردهای حزب همبستگی اسلامی که از کاندیداتوری رفسنجانی حمایت می کند، شعار ((اصلاحات)) در کنار ((آزادی)) و ((رفاه)) قرار گرفته است.

محافظه کاران راه دیگری را برای تبلیغات انتخاباتی برگزیده اند. سناریوی چمدان پر از دلار که مصباح یزدی مدیر مدرسه حقانی هفته گذشته عنوان ساخت و ادعا کرد توسط رئیس سابق سیا به ایران آمده است تا در اختیار روزنامه نگاران دوم خردادی قرار گیرد، بخشی از برنامه انتخاباتی محافظه کاران است که با تظاهرات قم دنبال شد. دسته بزرگی از محافظه کاران با نام جدید ((ائتلاف خط امام و رهبری)) تاکید بر مشکلات اقتصادی را به عنوان محور فعالیت تبلیغاتی انتخاب کرده اند. این نیروها، برخلاف ائتلاف جبهه دوم خرداد، نیروهای ملی و مذهبی، روشنفکران دینی و روزنامه نگاران، دفتر تحکیم وحدت و حزب مشارکت اسلامی نه تنها دغدغه رد صلاحیت کاندیداهایشان را ندارند، بلکه سران آنان از عوامل اصلی قلع و قمع کاندیداهای اصلاح طلبان حکومتی و دگراندیشان هستند.

اعتراض در چند شهر علیه رد صلاحیت ها

در هیاهوی تبلیغات برای فتح کرسی های مجلس، بسیاری از اصلاح طلبان حکومتی با تاکید بر این ارزیابی که علیرغم تسویه های گسترده از طرف شورای نگهبان، کاندیداهای تایید شده این جناح برای پیروزی طرفداران دولت در انتخابات کافی هستند، پیگیری جدی حقوق مدنی شهروندان رد صلاحیت شده را که همگی وابسته به جریان های رادیکال تر اصلاح طلبان هستند، کنار گذاشتند و بدون حمایت موثر آنان، حرکات اعتراضی مردم در شهرهای اصفهان، مشهد، اهواز، شیراز، تبریز، نوشهر، چالوس، بناب، بیرجند، ارومیه، سنندج، کرمانشاه و چند شهر دیگر که در اعتراض به رد صلاحیت ها برگزار شده بود، نتایج قابل تاثیری برجای نگذاشت و بی پاسخ ماند.

ائتلاف دوم خرداد با ۵ لیست انتخاباتی

نیروهای ائتلاف جبهه دوم خرداد که از گروه‌های ۱۸ گانه اصلاح‌طلبان حکومتی تشکیل شده و موسوی خوئینی‌ها مسئولیت هماهنگی آن را برعهده دارد، بعد از هفته‌ها گفتگو برای ارایه فهرست مشترک در حوزه انتخاباتی تهران به توافق نرسیدند و چالش این گروه‌ها بر سر پذیرش و یا عدم‌پذیرش برخی از چهره‌ها به دستبندی آنان در ۵ لیست انتخاباتی منجر شد. عامل عمده اختلاف در درون ائتلاف، درگیری بر سر رفسنجانی بود.

کاندیداهای حزب همبستگی، کارگزاران سازندگی، حزب همبستگی ایران اسلامی، خانه کارگر و... کاندیداهای خود را در فهرستی با عنوان ((جبهه معتدل دوم خرداد)) متشکل کرده‌اند. ((جبهه نیروهای خط امام - مدافعین خط امام)) لیست دوم را تشکیل می‌دهند. جبهه مشارکت ایران اسلامی، مجمع روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت هر یک لیست جداگانه دارند. در سه لیست کارگزاران، مجمع روحانیون مبارز و دفتر دفتر تحکیم وحدت، فقط ۳ نفر مشترک هستند. هاشمی رفسنجانی کاندیدای اول کارگزاران سازندگی است و مهدی کروبی نفر اول فهرست مجمع روحانیون مبارز. دفتر تحکیم وحدت، همچنان عبدالله نوری را در صدر فهرست خود حفظ کرده است. در پنج لیست انتخاباتی نام بیست داوطلب در حوزه انتخاباتی تهران مشترک است.

۷۰ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آوریم

علیرغم این اختلافات، اصلاح‌طلبان حکومتی نسبت به پیروزی کاندیداهای خود اعتماد بیشتری دارند. سعید حجاریان عضو جبهه مشارکت اسلامی در جمع کاندیداهای این حزب گفته است ۷۰ درصد از کرسی‌های مجلس ششم را ((دوم خردادی))ها به دست خواهند آورد.

علیرغم تصفیه‌های گسترده‌ای که صورت گرفته است، این خوشبینی در میان اصلاح‌طلبان و در میان مردم وجود دارد و توطئه‌های پی در پی دشمنان آزادی نتوانسته است، تصمیم و اراده مردم برای آنکه انتخابات مجلس ششم را به شکست بزرگ دیگری برای محافظه‌کاران اسلامی تبدیل کنند، مختل کند. مردم می‌گویند هر چند نتوانیم نمایندگان واقعی خود را به مجلس بفرستیم، هر چند بسیار کسان به نام اصلاح‌طلبان به مجلس بروند که اصلاح‌طلب نیستند، اما مجلس را از چنگ محافظه‌کاران بیرون خواهیم کشید و راه را برای برداشتن گام‌های بعدی هموار می‌کنیم.

کاخ ریاست جمهوری در تهران با خمپاره مورد حمله قرار گرفت

در حالی که مجاهدین خلق مسئولیت انفجارهای اخیر در تهران را برعهده گرفته‌اند، بسیاری از آگاهان سیاسی معتقدند حوادث اخیر در قم، فعال شدن مجدد گروه فدائیان اسلام ناب محمدی و انفجار بمب‌ها در تهران همه از یک مرکز واحد صورت گرفته‌اند و هدف آن‌ها ایجاد بحران برای جلوگیری از شکست محافظه‌کاران در انتخابات ششمین دوره مجلس است.

عصر روز شنبه، کاخ ریاست جمهوری با شلیک چند خمپاره مورد حمله قرار گرفت. خبرگزاری جمهوری اسلامی، شنبه گذشته تایید کرد پنج انفجار در خیابان ولی‌عصر تهران رخ داده است، اما روزنامه‌های صبح تهران، خبری را که همه شب دهان به دهان در میان مردم می‌گشت، تایید کردند و خبر دادند که کاخ ریاست جمهوری با خمپاره مورد حمله قرار گرفته است. روزنامه صبح امروز در روز یکشنبه نوشت: ساختمان نهاد ریاست جمهوری و اطراف آن با ۵ گلوله مورد حمله قرار گرفته است. به گزارش خبرنگار صبح امروز، در جریان این انفجار نزدیک به ده نفر کشته و مجروح شده‌اند. ایرنا تنها از کشته شدن یک کارگر چاپخانه به نام داریوش پورمحمدخانی خبر داده است. مطابق همین گزارش، ساختمان مجمع تشخیص مصلحت و نیز ستاد نماز جمعه تهران نیز بر اثر انفجار آسیب دیده است.

مجاهدین خلق با صدور اطلاعیه‌ای، مسئولیت این انفجارها را برعهده گرفته‌اند. مجاهدین گفته‌اند هدف آن‌ها دفتر خامنه‌ای و ساختمان مجمع تشخیص مصلحت بوده است.

بنا برگرفته مقامات حکومت ایران، دو تن از مجاهدین با گروگان گرفتن کارگران یک چاپخانه، از آن جا مناطق مورد نظر خود را هدف قرار داده‌اند و سپس گریخته‌اند.

اما علیرغم تاکید جمهوری اسلامی بر دست داشتن مجاهدین در این عملیات و علیرغم آن که مجاهدین خود مسئولیت این انفجارها را برعهده گرفته و پیرامون آن تبلیغات زیادی راه انداخته‌اند، برخی از آگاهان سیاسی با این ادعاها با تردید برخورد می‌کنند. این آگاهان معتقدند حوادث نگران‌کننده‌ای که این روزها در ایران اتفاق می‌افتد نمی‌تواند با هم بی‌ارتباط باشد، حوادثی که به مدت سه روز در قم ادامه یافت، تهدیدات آشکار آیت‌الله یزدی که: اگر بخواهیم می‌توانیم هر جا را به آشوب بکشیم، خبر ترور سردبیر نشریه معیار از سوی سازمان فدائیان اسلام ناب محمدی و بالاخره انفجارهای شنبه در تهران همه در آستانه انتخابات مجلس ششم، تنها یک هدف می‌توانند داشته باشد و آن اخلال در آرای مردم ایران علیه جناح محافظه‌کار است که پیش‌بینی می‌شود، در یک شرایط آرام ضربه سخت دیگری را از سوی مردم متحمل شود.

اگر ادعای مجاهدین خلق صحیح باشد و حمله به کاخ ریاست جمهوری از سوی آن‌ها صورت گرفته باشد، آن‌گاه باید گفت آن‌ها عملاً با محافظه‌کاران، بقایای باند سعید امامی و سازمان فدائیان ناب محمدی عملاً یک هدف را می‌کوبند و آن جریان اصلاحات

در ایران است.

در ایران اکنون اطلاعاتی منتشر می‌شود که نشان می‌دهد چگونه باند سعید امامی بسیاری از اقدامات خود را با استفاده از سیاست‌های مجاهدین خلق و به نام آن‌ها پیش‌برده است. ما معتقدیم در شرایط حساسی که جامعه ما در آن قرار گرفته است، برای این که چنین فرصت و امکانی از این باند آدم‌کش سلب شود، مجاهدین خلق دستکم بطور موقت باید عملیات مسلحانه خود را معلق کنند.

((قم)) چه می‌خواهد؟

هر چند متعرضین به مطبوعات که در دو روز گذشته اجتماعات تهدیدآمیزی در شهر قم برپا کردند، اعلام نمودند هدف آن‌ها یک کاریکاتوریست و یک روزنامه نیست و آن‌ها برکناری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تغییر اساسی در سیاست‌های فرهنگی حکومت را می‌خواهند، لیک آن‌ها خود نیز می‌دانستند چنین تقاضاهایی، در آستانه انتخابات که همه جناح‌های حکومتی و مسئولین نظام درگیر این انتخابات و نیروکشی پیرامون آن هستند، به موفقیت فوری نخواهد نرسید.

اما محافظه‌کاران نشان داده‌اند که چند جانبه بازی می‌کنند. پروژه بحران‌سازی در آستانه انتخابات یکی از جنبه‌های بازی آنان است. پس از حذف گروهی از کاندیداهای نمایندگی مجلس توسط شورای نگهبان که استوارترین اصلاح‌طلبان در میان کاندیداهای موجود برای مجلس ششم بودند، دیگر کسی وعده‌هایی را که در باره ((پیروزی قاطع)) اصلاح‌طلبان در مجلس ششم داده می‌شود، چندان جدی نمی‌گیرد و امیدواری‌های محافظه‌کاران برای یک مجلس دست‌کم ((قابل تحمل)) بیشتر شده است، اما مرتجعین، و به ویژه مرتجعینی که در قدرتند، همواره از هر انتخاباتی هراسانند و انتخابات مجلس ششم، بزرگ‌ترین کابوس آنان از زمانی است که خود را شناخته‌اند. پس طبیعی است با بحران‌سازی‌ها بخواهند شرایطی ایجاد کنند که شورای نگهبان با دست باز هم بازتری به اعمال نظر، از جمله در ابطال نتایج نامطلوب انتخابات پیش‌رو اقدام کند. بحران‌ها نتایج قابل‌پیشبینی ندارد و برای آنان که خود را بازنده می‌بینند، می‌تواند به هر حال منشا امیدی برای ممکن ساختن ناممکن‌ها باشد.

جنبه دیگر این بازی، حفظ فشار دایمی علیه مطبوعات است. هر پیروزی هر چند کوچک علیه این فرزندان ((حرام‌زاده)) دوم خرداد، هدفی است که می‌تواند دست به نقد باشد. شاگردان ((استاد مصباح)) و دیگر مرتجعین، خود را در جنگی سنگر به سنگر با مطبوعات می‌بینند که اگر فتح ستاد اصلی فعلاً ممکن نیست، اما سنگرهای مقدم را می‌توان نشانه رفت.

اکنون روزنامه آزاد در خطر جدی قرار دارد و بیم آن می‌رود که بر سر آن همان بیاورند که بر سر روزنامه نشاط آوردند. سناریویی که از قم آغاز شد، بسیار مشابه و البته شدیدتر از آن چه است که در مورد نشاط اجرا شد. زمان بازی که شاگردان مصباح آغاز کرده‌اند، هم می‌تواند به سود آنان تمام شود و هم به شکستی برایشان بیانجامد. به دلیل نزدیکی انتخابات و حساسیت‌های پیرامون آن، شاید فریاد قم پژواکی در دادگاه مطبوعات آقای سعید مرتضوی نیابد، اما اگر هدف که تعطیل روزنامه آزاد است به دست آید، آنگاه شاید طرف مقابل به دلیل همین حساسیت‌های مربوط به انتخابات در ((محظور)) قرار گیرد و از اعتراض چشم‌پوشد و لقمه دیگری به آسانی از گلوی ((استاد)) و همراهانش پایین رود!

باید توجه داشته‌باشیم که تاکنون مطبوعات از تحمل این فشارها خورده‌اند، تنها قربانی ساختن جامعه و زن و توس و سلام و نشاط و خرداد و آدینه و دیگر روزنامه‌ها و ماهنامه‌ها نبوده است، تقویت فضای محافظه‌کاری و جلوگیری از پیشرفت روند دمکراتیک نیز بوده است. وقتی روزنامه زن را به جرم چاپ چند کلام از یک چهره مخالف رژیم تعطیل کردند، دیگر روزنامه‌های شهامت آن را نیافت در میان انبوه خبرهای خود چند سطر را هم در باره مواضع گروه‌های اپوزیسیون بنویسد، روندی که می‌رفت به تدریج و با احتیاط آغاز شود، متوقف ماند و گروه‌های اپوزیسیون از جریان ((اطلاع رسانی)) و ((دانستن حق مردم است)) بار دیگر حذف شدند. جامعه را که بستند، توس محافظه‌کارتر شد، توس را که بستند، نشاط در محظور بیشتری قرار گرفت و اکنون ((سه نقطه)) به بخشی از مقالات و حتی خبرهای عصر آزادگان تبدیل شده است. سنگینی تعطیلی روزنامه خرداد بر دوش ((فتح)) سنگینی می‌کند و... مطبوعات در بسیاری از عرصه‌ها بیشتر و افشاگرانه‌تر می‌نویسند، اما سایه سنگین دادگاه مطبوعات و حوادثی مانند حادثه قم را بر بالای سر خود دارند و نمی‌توانند به بسیاری از انتظارات پاسخ دهند.

روزنامه آزاد نیز اگر از این ماجرا جان سالم بدر برد، همیشه ((فریاد رعب‌آوری)) را که از قم برخاست، در گوش خواهد داشت. روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران در این میان گناهی ندارند، آن‌ها مدت‌هاست که دیگر فریادهای تحسین‌آمیز دانشجویانی را که در دفاع از آن‌ها تجمع می‌کردند، نشنیده‌اند. از ۲۳ تیر به این سو، آنان که نیرو نمایش داده‌اند، فریاد زده‌اند و شعار داده‌اند، همه در جهت مقابله‌جویی با مطبوعات بوده است. اصلاح‌طلبانی که از تیر ماه به این سو، به بهانه‌های مختلف مانع از حضور متشکل دانشجویان، جوانان و مردم در جهت دفاع از اصلاحات و از جمله مطبوعات شده‌اند، همواره حساسیت انتخابات مجلس را دلیل آورده‌اند، قرار شده است پاسخ عربده‌جویی‌ها ((در پای صندوق‌های رای)) داده شود، اما پاسخ در پای صندوق رای تنها

یک پاسخ است. مگر پاسخ مردم در دوم خرداد به مرتجعین، آنان را از رو برد؟

دو هفته دیگر انتخابات به پایان می‌رسد، آنگاه آیا، ((قم)) پاسخ مبارزه‌طلبی‌های خود را خواهد شنید و حمایت آشکار توده مردم، آن‌گونه که مطبوعات به آن نیاز دارند، پشت آنان را گرم خواهد کرد؟

دستان رفسنجانی به خون آلوده است

هاشمی رفسنجانی که می‌خواهد به مجلس ششم راه یابد و رئیس آن شود، حدود ده سال در همین مقام شاید موثرترین پس از خمینی در رهبری جمهوری اسلامی بود. این روزها کارنامه ده سال اول حضور این فرد در حکومت، تحت‌الشعاع هشت سال بعدی یعنی دوره ریاست جمهوری او قرار گرفته است. در حالی که در مطبوعات اصلاح‌طلب، سؤال‌های زیادی درباره قتل‌های وزارت اطلاعات در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی مطرح می‌شود، مسئولیت او در فجایعی که در دوره حیات خمینی در کشور ما روی داد به قدر کافی مورد بحث قرار نمی‌گیرد. البته استثناهایی نیز وجود دارد که اشارات پراکنده به نقش رفسنجانی در تداوم جنگ با عراق، از آن جمله است.

جنگ هشت ساله، تنها مصیبتی نیست که در دهه نخست جمهوری اسلامی رخ داد. در کنار جنگ، فاجعه اصلی دیگر، اعدام‌های دسته‌جمعی بود که به ویژه در دو سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷، هزاران تن از بهترین فرزندان میهن را به قربانی گرفت. خاطرات رفسنجانی در سال ۶۰ که اخیراً با نام ((عبور از بحران)) انتشار یافته است، در ارتباط با نقش رفسنجانی در این فاجعه حاوی نکات گویایی است. هر چند گویز جمهوری اسلامی در این کتاب تقریباً به طور کامل درباره ابعاد اعدام‌ها و شکنجه‌ها سکوت کرده و تنها به ترورها پرداخته است، اما به طور غیرمستقیم و از طریق برخی اشارات، می‌توان به نقش رفسنجانی در پیشبرد سیاست سرکوب خونین پی برد.

از چند جای خاطرات رفسنجانی، چنین برمی‌آید که او در کنار خمینی و پسرش، مهم‌ترین فرد در تصمیم‌گیری پیرامون اعدام‌ها بوده است. رفسنجانی به طور مستقیم بر کار اسدالله لاجوردی نظارت داشته و این دژخیم، به رفسنجانی گزارش می‌داده است (رجوع کنید به صفحات ۱۹۵، ۳۱۷، ۳۶۱ و ۴۴۰ عبور از بحران). نظیر این جمله در خاطرات روزهای هم‌زمان با کشتار در زندان‌ها دیده می‌شود: ((جلسه با آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و لاجوردی داشتیم. درباره وضع زندانها و دادگاهها و... تصمیماتی اتخاذ شد.)) (عبور از بحران، خاطرات یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۶۰).

یک بار در دوره نخست‌وزیری مهدوی کنی، جلسه‌ای با حضور رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، احمد خمینی و مهدوی کنی تشکیل شد که در آن، نخست‌وزیر پیشنهاد قطع اعدام‌ها را داد، اما به گفته رفسنجانی این پیشنهاد مورد موافقت سایرین قرار نگرفت (عبور از بحران، ۴ مهر ۱۳۶۰).

برخی اشاره‌های انتقادآمیز رفسنجانی به لاجوردی، نمی‌تواند این واقعیت را بپوشاند که جنایات زندان‌ها زیر نظر مستقیم دست راست خمینی صورت می‌گرفته است. حداقل نتیجه‌ای که می‌توان از خاطرات رفسنجانی گرفت، این است که او اگر می‌خواست، می‌توانست از ابعاد کشتار و شکنجه در زندان‌ها به طور تعیین‌کننده‌ای بکاهد. این حقیقت به طور آشکار از خاطرات خود او برمی‌آید.

واقعیتی که رفسنجانی در خاطرات خود بدان اشاره نکرده است، این است که لاجوردی تنها با حمایت و دستور خمینی و رفسنجانی بود که توانست بزرگترین حمام خون تاریخ معاصر زندان‌های ایران را به راه اندازد. دست رفسنجانی به خون آلوده است. جای چنین کسی در نخستین مجلس بعد از دوم خرداد نیست. به او نباید رای داد!

دستورالعمل ستاد محافظه‌کاران برای جنگ روانی در انتخابات مجلس

روزنامه مشارکت، در شماره روز شنبه گذشته خود، دستورالعملی را که گفته می‌شود ((عملیات جنگ روانی اقتدارگرایان برای انتخابات مجلس)) است، را به چاپ رسانده است.

مشارکت ((راهکارهای پیشنهادی جناح تمامیت‌خواه)) را ((عیناً از یکی از بولتن‌های توزیع شده در مراکز فرهنگی و ارسال شده برای بسیاری از شخصیت‌ها)) به چاپ رسانده است. رئیس این ((راهکارهای پیشنهادی)) به قرار زیر است:

شب‌نامه پخش توزیع کنید و عکس‌های خصوصی کاندیداهای رقیب را بین مردم پخش کنید.

از طریق ستون اخبار ویژه مطبوعات خودی دلایل متفاوتی را برای رد صلاحیت افراد طرح کنید.

از فرصت ایام دهه فجر برای تحریک و تهییج مردم بهره‌برداری کنید.

از پتانسیل احساسی جوانان از طریق سخنرانی‌های ارزشی استفاده کنید.

از روش‌های غیرمستقیم تبلیغ در رسانه‌های گروهی از جمله صدا و سیما بهره بگیرید.

نسبت به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ابراز همدردی عمیق کنید.

از سخنان ((حضرت امام)) و از اتهاماتی نظیر انحصارطلب، مستبد و بی‌اعتنا به افکار عمومی تبری جوئید.

مشکلات عدیده کارگران را با مصادیق مشخص برجسته کنید و بر موارد بازرخرد اجباری، بیمه کارگران و مسایل شرکت نفت جنوب تاکید کنید.

از عناوین دکتر، مهندس، و... در تراکت‌های تبلیغاتی خود استفاده کنید.

برای جنبش‌های دانشجویی هویت قابل شوید، بسیار محتاطانه برای جنبش‌های دانشجویی هویت قابل شوید. گفتنی است این کار باید بسیار محتاطانه انجام گیرد، چرا که سمت و سوی دانشجویان حکایت از تمایل به سوی دوم خردادی‌ها دارد.

روزنامه مشارکت که متن این ((راهکارهای عملی)) را منتشر کرده، توضیح نداده است که این ((راهکارها)) از سوی چه کسانی و یا چه گروهی و خطاب به چه کسانی منتشر شده است.

شورای نگهبان مانع انتخابات آزاد است

در انتخابات ششمین دوره مجلس اسلامی، هیچ تغییری در حقوق نیروهای مخالف روی نداده است. همه احزاب و سازمان‌هایی که با حکومت فعلی مخالف هستند، صرفنظر از این که این مخالفت را از راه‌های مسالمت‌آمیز پی می‌گیرند یا نه، کماکان مورد سرکوب قرار دارند و شرایط اساسا به گونه‌ای نیست که نمایندگان آنان حتی بتوانند برای انتخابات ثبت‌نام کنند، تا چه رسد به این که نامزد نمایندگی مجلس شوند و سپس از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت گردند. به این ترتیب آنچه باز باقی مانده است، رقابت بین نمایندگان وابسته به حکومت است که هر چند از اهمیت سرنوشت‌سازی برخوردار شده است، اما به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن این حقیقت تلخ نیست که در این انتخابات اپوزیسیون حکومت حضور مستقیم ندارد.

در ایجاد این شرایط غیردموکراتیک نمی‌توان همه جناح‌های حکومت را به یک سان محکوم دانست. در جریان اصلاح‌طلب حکومت هر چند هنوز هیچ گام جدی در جهت دفاع از حقوق احزاب و سازمان‌های مخالف حکومت برداشته نشده است، اما مخالفت‌هایی با حذف نمایندگان وابسته به جریان ملی - مذهبی صورت گرفته است. مخالفت‌هایی که برخلاف شعار ((ایران برای همه ایرانیان!)) به هیچ وجه تا سطح دفاع از حقوق ((همه ایرانیان)) گسترش نیافته است.

واقعیت این است که این دفاع ناپیگیرانه از حقوق شهروندان، تنها مختص به بخشی از جریان اصلاح‌طلب حکومت است و از جمله در میان دو جریان عمده‌ای که خود را هوادار دوم خرداد می‌خوانند، یعنی حزب کارگزاران سازندگی و مجمع روحانیون مبارز، اعتراض به حذف خودسرانه کاندیداها بسیار کمرنگ است.

مهدی کروبی دبیرکل مجمع روحانیون مبارز، اخیرا در یک سخنرانی در ((کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی)) از شورای نگهبان به خاطر برخورد مناسب با ((نظارت استصوابی)) تشکر کرد. این قدردانی درست در همان روزهایی صورت گرفت که شورای نگهبان باقی‌مانده کاندیداها ((غیرخودی)) را نیز از شرکت در انتخابات محروم ساخت و یک بار دیگر این حقیقت آشکار شد که برای امثال آقای کروبی، ((نظارت استصوابی)) و تیغ تصفیه تنها تا آن جا بد است که گریبان یاران و دوستان وی را می‌گیرد و این بار که شورای نگهبان با نمایندگان مجمع روحانیون مبارز از در آشتی درآمده است، آقای کروبی نیز چشم بر قلع و قمع صدها کاندیدای نمایندگی مجلس بسته است.

این قدردانی‌ها و حمایت‌های کسی که خود خویشتن را رهبر جریان دوم خرداد می‌نامد، و مشابه آن از سوی بسیاری از شخصیت‌ها و جریان‌های مدعی دوم خرداد نیز به چشم می‌خورد، مقابله عمومی با نظارت استصوابی شورای نگهبان را آسیب‌پذیر ساخت. بسیاری از تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که اگر هواداران دولت در برابر نظارت استصوابی شورای نگهبان کوتاه نمی‌آمدند و چشم فرو نمی‌بستند و توده مردم و جناح رادیکال خود را تنها نمی‌گذاشتند و تصمیمات شورای نگهبان را غیرقابل پذیرش اعلام می‌کردند، با توجه به آمادگی افکار عمومی، این امکان وجود داشت که نظارت استصوابی در عمل بی‌اعتبار شود.

تجربه تلخ دیگری که شورای نگهبان و برخی از دوستان نیمه راه دوم خرداد از خود بر جای نهادند، یک بار دیگر این پرسش را مطرح ساخت که آیا تا چه امکان‌پذیر است که بتوان ((نظارت)) شورای نگهبان بر انتخابات را با رای آزادانه مردم آشتی داد. این تجربه یک بار دیگر ثابت کرد که چنین تلاشی بی‌فایده است و نهادی که از یک جایگاه غیرانتخابی و با یک هدف ارتجاعی رای مردم را زیر سیطره گرفته است، اصلاح‌پذیر نیست.

در هیاهو و هیجانات ناشی از انتخابات نباید این نکته را فراموش کرد که مجلس ششم اگر می‌خواهد مجلسی واقعا اصلاح‌طلب باشد، باید یکی از عمده‌ترین اهداف خود را انحلال همه نهادهای غیرانتخابی قرار دهد!

پیام عبدالله نوری از زندان اوین به مردم:

در انتخابات شرکت کنید، مجلس ششم متعلق به نیروهای اصلاح‌طلب و مدافعان حقوق ملت است

بدالله نوری از مردم خواست که نام او را در برگ‌های رای خود ننویسند!
عبدالله نوری در پیامی که از زندان اوین برای مردم فرستاد، از آنان خواست در انتخابات بطور گسترده شرکت کنند. نوری در پیام خود نوشت:

از قرار اطلاع گفته می‌شود برخی از جمعیت‌ها و احزاب محترم در نظر دارند که نام اینجانب (عبدالله نوری) را در فهرست انتخابات مجلس ششم قرار دهند. همچنین شنیده شده است که برخی از شهروندان عزیز تهرانی نیز قصد دارند که نام این خادم کوچک را در برگه‌های انتخاباتی خود بنویسند.

با عنایت به سلب امکان نامزدی از اینجانب، بر خود لازم می‌دانم ضمن دعوت از همه مردم رشید و شریف ایران اسلامی برای شرکت گسترده در انتخابات سرنوشت‌ساز این دوره مجلس و با تاکید بر اهمیت تاثیر آرای یکایک آحاد مردم و به منظور اجتناب از ابطال آرای ارزشمند مردم، مصرانه خواهشمندم که از درج نام اینجانب (عبدالله نوری) هم در لیست انتخابات گروه‌ها و هم در تعرفه‌های انتخاباتی شهروندان، خودداری شود.

عبدالله نوری در پایان پیام خود ابراز امیدواری کرده است: انشالله با هوشیاری و نکته‌سنجی مردم شریف ایران اسلامی، اکثریت قاطع نمایندگان مجلس ششم، متعلق به نیروهای اصلاح‌طلب و مدافعان حقوق ملت گردد.

به ما بگوئید برابر قانون کدام ملتی می‌توان حق حیات و زندگی را از یک کودک گرفت؟

برادر حمید حاجی‌زاده در نامه‌ای سرگشاده به رییس‌جمهور خواهان پیگیری چگونگی قتل وی و فرزند ده ساله‌اش شد. محمد حاجی‌زاده، برادر حمید حاجی‌زاده، شاعر و معلم کرمانی که در سحرگاه ۳۱ شهریور ۱۳۷۷ همراه با فرزند ده ساله‌اش در خانه خود و به هنگام خواب، به قتل رسید، در نامه‌ای به آقای محمد خاتمی رییس‌جمهور که قسمت‌هایی از آن در روزنامه صبح امروز پنجشنبه ۷ بهمن به چاپ رسید، خواهان پیگیری قتل برادر خود و فرزند او شد. در نامه محمد حاجی‌زاده پیرامون مرگ دلخراش برادر خود و فرزند او چنین سخن گفته است:

بیش از یک سال است که کرارا با تسلیم ده‌ها فقره دادخواست، از مقام ریاست‌جمهوری تا آخرین رکن که آگاهی کرمان باشد، خواسته‌ایم به پرونده قتل برادرم و پسرش رسیدگی شود اما به جز یک همدردی که گاه از طرف برخی از مسئولین انجام گرفته، نتیجه دیگری در پی نداشته است... ما پرپر می‌زدیم. به هر که می‌رسیدیم می‌پرسیدیم چرا؟ به هر در می‌زدیم بسته بود. همه درمانده بودیم. نه ما، بلکه بازپرس و ماموران تحقیق نیز همه و همه درمانده از هر حرکتی. و راهی برای حرکت نبود، روزنه‌ای برای فهمیدن نبود و انگیزه‌ای وجود نداشت. آخر به چه گناهی؟ به چه جرمی چرا این قدر بی‌رحمانه؟ ۲۷ ضربه کارد برای یک آدم؟ خانه بی‌شبهت به کشتارگاه‌ها و قصاب خانه‌ها نبود. همین بس که شاهدان عینی می‌گویند ماموران تحقیق (بازپرس، پزشک قانونی، ماموران آگاهی و انتظامی) دور اجساد حلقه‌وار اشک می‌ریختند... دو ماه تمام این در و آن در می‌زدیم تا این که قتل آقای فروهر با همین کیفیت اتفاق افتاد و ما تازه متوجه عمق فاجعه شدیم...

آقای رئیس‌جمهور!

اگر روزی روزگاری، صدای من به گوش شما رسید، که قطعاً می‌رسد، بدانید که سهم من، خانواده من و زن و دو بچه باقی مانده برادرم از دوم خرداد، یک مشت قرص و داروی عصبی است و تداعی یک سحرگاه شوم. تداعی یک سحرگاه خونین که پدر و پسری عاشق را در برابر دیدگان هم قصابی می‌کنند. تازه مدام هم این فکر آزارت بدهد که پدر شاهد به قتل رسیدن پسر بوده و یا پسر جان‌کندن پدر را می‌نگریسته است...

اگر چه پرونده قتل‌ها در پستوی نه توی داسرای نظامی مخفی است اما این پرونده در دادگاه وجدان بیدار ملت ایران دیری است که رسیدگی شده و رای آن هم صادر شده است... دست‌های پلید این زنجیره شوم بر شانه‌های ایران سنگینی می‌کند. کدام ریشه‌یابی انجام گرفته تا یقین داشت ریشه‌ها خشکیده است؟ سعید امامی که از اینجا بلند نشد که به کرمان برود و برادر مرا بکشد. این علف‌های هرز همین که یک باران ببینند باز هم سرخواهند زد و به دور یاس‌ها خواهند پیچید و باز هم نرگس‌ها و شقایق‌ها را خفه خواهند کرد... به ما بگوئید برابر قانون کدام ملتی، برابر عرف و عادت کدام دیار، برابر فتوای کدامین مرجعی، می‌توان حق حیات و زندگی را از یک کودک گرفت؟...

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خواست نیروهای آزادی‌خواه از وزارت کشور:

اسامی داوطلبین رد صلاحیت شده را بعنوان کاندیدای مجلس شوراهای اعلام کنید

شورای نگهبان صلاحیت ۶۶۹ نفر از داوطلبین نمایندگی مجلس شورا را رد کرد. گرچه بر اثر فشار افکار عمومی و مطبوعات، درصد رد صلاحیت شده‌ها نسبت به انتخابات قبلی کاهش یافته است. اما چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان حکومتی و کاندیداهای جریان‌های غیروابسته به جناح‌های حکومت که شامل جریان‌های ملی - مذهبی، ملی، دمکرات و چپ بودند، حذف شده‌اند. دلیل رد صلاحیت ۲۱۰ نفر از داوطلبین یعنی حدود ۳۰ درصد کل رد صلاحیت شده‌ها، وابستگی و هواداری از جریان‌های سیاسی غیرحکومتی اعلام شده است. شورای نگهبان با این اقدام، روند انتخابات را بیش از پیش غیردمکراتیک ساخته و بار دیگر نشان داد که پایبند هیچ قانون نیست و آنچه را منافع جناح حاکم ایجاب میکند، پیش می‌برد. ما همراه با نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب کشور، اقدام شورای نگهبان در رد داوطلبین، حذف کاندیداهای جریان‌های سیاسی غیرحکومتی و اصلاح‌طلبان حکومتی را ضددمکراتیک و مستبدانه می‌دانیم و از رئیس‌جمهور و وزارت کشور می‌خواهیم که در دفاع از رد صلاحیت شدگان، اقدامات ضرور را بعمل آورند و لیست کسانی را که توسط شورای نگهبان خودسرانه حذف شده‌اند، بعنوان کاندیدا اعلام نمایند تا مردم خود تصمیم بگیرند. همان کاری که در انتخابات شورا صورت گرفت.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۱ بهمن ۱۳۷۸



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :
Address: نشانی :
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany